

”

فیلم برهه ای بحرانی از زندگی پرویز دهداری؛ سرمربی تیم ملی فوتبال در دهه شصت است؛ فوتبال ایران در حال سپری کردن یکی از بحرانی ترین شرایط پیش آمده، بعد از شکست در بازی های آسیایی است؛ آن هم در دوران جنگ و شرایط سختی که ایران در منطقه سپری می کند

بر اصول رفتاری اش فیلم راحتی برای مخاطب غرور زشی هم حائز اهمیت می کند. دیگر مهم نیست تو چندساله ای و چه میزان ورزش مثل فوتبال رانبال کرده ای، از جایی به بعد فقط فرجام تلاش های امیدوارانه برای خودساختگی و کشف و به ثمر نشستن استعدادها مهم می شود. از این جهت در صحنه های پایانی فیلم موقع بازی همه خواستار یک چیزند و آن فقط پیروزی یک تیم بر تیم دیگری در زمین بازی نیست، پیروزی اخلاق و خودباوری و تکیه بر داشته هاست. نکته دیگری که فیلم را باور پذیر می کند انعطاف شخصیتی پرویز خان است که مادر که طول فیلم نظاره گرش هستیم، درست در حساس ترین نقطه پرویز خان می پذیرد که باید روش دیگری را جایگزین کند و خطای خود را می پذیرد و نقشه بازی را تغییر می دهد.

پرویز خان تا جایی آرمانش را بالا و آسمانی می چیند که دستش به آن برسد و همین داستان را واقعی و قابل درک می کند و پدر عشق به سر بلندی وطن را در دل می کارد.

فیلم پرویز خان در ژانر خود سبک جدیدی ارائه می دهد که ما تاکنون شاهدش نبوده ایم. بی شک فیلم به دلیل بازگو کردن روایتی تاریخی و لاجرم اشاره به شخصیت های واقعی دچار ایرادهایی است که بیشتر پیرامون زمان وقوع رخدادهاست. از نظر سبک پیشبرد داستان هم، شاید لازم بود دست و دلبازتر بر مصایب شکل دهی یک تیم آماتور و بی تجربه تأکید کند. به طور کلی به عنوان فیلم اول یک کارگردان و پانهادن در مسیری که تجربه های مشابه آنک و انگشت شماری در زمینه ورزشی به خود دیده است باید گفت در شخصیت پردازی و نحوه روایتگری و ایجاد حس میهن دوستی و تلاش برای آرمان ها پرویز خان فیلمی تحسین برانگیز و قابل تأمل است.

فدراسیون و انواع مخالفت های دیگر ایستادگی کند تا از نو یک تیم ملی برای انجام یک بازی بشدت حساس با تیم ملی کویت تشکیل بدهد. اینجا است که ما شاهد روایتی واقعی و دلنشین خواهیم بود، داستانی که نه غلو شده و باور نکردنی است و کاریکاتوری. وجه اخلاقی دهداری کم کم برای مخاطب نمایان می شود. بیننده با پرویز خان در کوچه پس کوچه ها و زمین های خاکی برای پیدا کردن بازیکن های تازه نفس همراه می شود و جالب است مدام از سوی پرویز خان غافلگیر خواهد شد. درست آنجایی که در برهوت بازیکن کسی را می یابیم که فکر می کنیم ناجی تیم خواهد بود پرویز خان دست رده سینه اش می زند؛ چون فقط بطری آب را به دوستش تعارف نکرده است.

رفته رفته ما نیز با عینک پرویز خان رفتار و حرکات بازیکن را زیر نظر می گیریم و بیش از آنچه بازی اش برایمان مهم باشد مراقبیم که از او خطای رفتاری سر نزنند. موقعی که پایبندی بر اصول اخلاقی توسط یک مربی را شاهدیم اضطراب و ترس از شکست به سراغمان می آید که آیا هدف وقتی پای غرور ملی به میان باشد وسیله را توجیه نمی کند؟ سختگیری و پایبندی به اصول اخلاقی تا این میزان لازم است؟ و پاسخ سوالاتمان را هنرمندان در یافت می کنیم. یکی از نقاط قوت فیلم را باید همین دانست که ما از نتیجه بازی مطلعیم و می دانیم تیم ملی ایران کویت را شکست می دهد؛ ولی درگیر جریان فیلم می شویم. مضطرب می شویم، خشمگین و عصبانی می شویم، گاهی ناامید و گاهی امیدوارانه اشک می ریزیم و در جریان فیلم پرویز خان را برای اثبات هویت و حفظ غرور ملی می ستاییم و از او یاد می گیریم. این همان فرایند و نحوه وقوع داستان است که با پررنگ کردن وجوهات شخصیتی پرویز دهداری و ایستادگی این شخص

